آینه

ایران

نکاتی پیرامون طرح استانی‌شدن انتخابات

جلال میرزایی: با توجه به ساختار فعلی احزاب در کشور و ناتوانی آنها در تقویت جامعه‌پذیری سیاسی، در صورت اجرای طرح استانی‌شدن انتخابات، خلأهای به‌وجودآمده را نه احزاب بلکه گروه‌های قوم‌گرا، پر خواهند کرد و پیدایش چنین وضعیتی به‌نفع منافع و امنیت ملی ما نیست. پیشنهاد می‌شود این طرح از دستور کار مجلس خارج شود، چراکه در وضعیت فعلی تلاش برخی نمایندگان فعلی مجلس برای از میدان خارج‌کردن رقبای تازه‌وارد شکل گرفته است. ضمن آنکه در شرایطی که مجمع تشخیص مصلحت نظام در حال بررسی سیاست‌های کلی انتخابات مجلس‌شورای‌اسلامی است بهتر است ارائه طرح‌های انتخاباتی تا زمان مشخص‌شدن سیاست‌های کلی انتخابات در مجمع تشخیص مصلحت مسکوت گذاشته شوند.

اعتماد

بورسیه‌شدگان حتی برای آزمون شفاهی هم سندی ندارند

مهدی دواتگری: طبق قانون اعزام دانشجویان به خارج، شرط برگزاری آزمون قطعی و الزامی است. منتقدان بحث غیرقانونی‌بودن بورسیه‌ها می‌گویند آزمون به‌صورت شفاهی برگزار شده است. اما هیچ مدرکی دال بر برگزاری آزمون شفاهی هم در آنها نبود. یعنی وقتی همان آزمون شفاهی هم برگزار شود باید یک سند در پرونده بگذارند که این آزمون برگزار شده و چه سؤالاتی پرسیده‌اند و متقاضی بورسیه چه پاسخ‌هایی داده است. ما در این پرونده‌ها هیچ سندی دال بر برگزاری آزمون شفاهی هم ندیدیم و چنین مدرکی وجود ندارد. افراد از محل‌های مختلفی معرفی شده‌اند و آمده‌اند و هیچ آزمونی، حتی همان آزمون شفاهی هم در کار نبوده است. اینجا چند تخلف صورت گرفته است؛ اول اینکه نه آزمون کتبی در کار بوده و نه آن‌طور که برخی همکاران ما گفته‌اند، آزمون شفاهی. دوم اینکه الان ۳۰۰ هزار نفر پشت کنکور دکترا هستند و افرادی توانسته‌اند بدون هیچ آزمونی وارد مقطع دکترا شوند. سوم اینکه اینها عضو هیأت‌علمی می‌شوند و چهارم استخدام رسمی هم می‌شوند. پس موضوع بورسیه‌ها فقط یک موضوع و تحصیل در مقطع دکترا نیست.

کیهان

سونامی دروغگویی!

حسین شمسیان: ماجرای مشهور و پرهیاهوی «بورسیه‌ها» یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دروغ‌های یک سال و نیم گذشته است که مدت زیادی از وقت ارزشمند کشور را به خود مصروف ساخت و باعث ایجاد بدبینی در جامعه و بی‌آبرویی جامعه دانشگاهی و فرهیخته کشور شد. کشف و رونمایی از پرونده‌های متعددی که در هیچ محکمه‌ای مطرح و اثبات نشده، ویژگی دیگر این جریان دروغگو و هوچی است. بحث پول‌های کثیف که از اسفند سال پیش ناگهان سپهر سیاسی کشور را دربر گرفت نیز از این جمله است. اینها فقط چند نمونه مختصر از موارد فراوان سیاه‌نمایی‌های ایام اخیر است که علیرغم دروغ‌بودن، تأثیر منفی و تلخی بر باور مردم گذاشته است. در یک پاسخ ساده و روشن باید دو عامل را منشأ این رفتار دانست؛ نخست آرزوهای انتخاباتی و دوم بی‌برنامگی در امور کشور. توضیح مختصر آنکه مسئولان مهمی از دولت به‌جد درگیر انتخابات مجلس آتی شده و وقت و توان خود را برخلاف قانون و شرع مصروف آن می‌نمایند. در چنین شرایطی آنها امیدشان از رسیدن به صندلی‌های مجلس کم می‌شود! پس هیاهو، دروغ، جنجال و سیاه‌نمایی در دستور کار قرار می‌گیرد و برایشان هم مهم نیست که بر سر اعتماد عمومی و آرامش جامعه چه می‌آید؟! اما ماه همیشه پشت ابر نمی‌ماند!

وطن امروز

رازتوافق

مهدی محمدی: برخی پالس‌هایی که این روزها از داخل ایران در حال ارسال به بیرون است نشان می‌دهد غرب‌گرایان در ایران هم به‌خوبی می‌دانند در حال مشارکت در چه نوع بازی‌ای هستند. سه دسته پیام از داخل ایران در حال ارسال به بیرون است: مصرف ادبیات رادیکال درباره نقد رفتار حاکمیت در حوزه‌های مختلف به‌ویژه از زبان هاشمی‌رفسنجانی. ارسال پی‌درپی این پیام به بیرون که دولت به هر قیمت خواهان تصاحب مجلس آینده است. بشارت‌دادن به آمریکا در این‌باره که تعامل با آمریکا به موضوع هسته‌ای محدود نخواهد شد چراکه مشکلات ایران با حل موضوع هسته‌ای پایان نخواهد یافت. به عقیده من، مخاطب این پیام‌ها بیش از آنکه افکار عمومی در داخل ایران باشد، در واشنگتن نشسته است. مهم‌ترین مأموریتی که این جریان باید برای آمریکا انجام بدهد صرف سرمایه اجتماعی ناشی از توافق هسته‌ای در راستای اهداف شبه‌سکولار و همچنین بازتولید سیکل سازش از طریق ایجاد دوقطبی‌های جدید از جنسی است که یک سوی آن وضعیت اقتصادی (یا شاید هم اجتماعی) ایران قرار داشته و در سوی دیگر آن برنامه‌های امنیت ملی ایران قرار بگیرد. هر دو این مأموریت‌ها تنها زمانی قابل انجام است که این جریان زیرساخت‌های لازم برای ارتباط‌گیری مؤثر با افکار عمومی در ایران و توان ارسال سیستماتیک آدرس‌های غلط به آن را ایجاد کرده باشد.

بررسی اندیشه سیاسی استاد شهید در میزگرد سیدصادق حقیقت و محسن غرویان

مطهری؛ استثنا بود نه قاعده

خیلی زود جمع انقلابیون را ترک گفت. تنها ۸۰ روز با آنها ماند و در شامگاه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان ترور شد. اما نقش آیت‌الله مطهری در انقلاب پررنگ‌تر از این بود که مرگ زودهنگامش آن را محو کند. وقتی شهید شد، امام گفت: «... فرزند عزیزی که پاره تنم بود را از دست دادم...» اسلام‌شناس بود و متکلم؛ فقیه بود و فیلسوف؛ احیاگر دین بود و نواندیش.

«شهید مطهری زمانی به سیاست اندیشید که حوزویان از ایستادن در مقابل دکه مطبوعاتی ابا داشتند»؛ این را حجت‌الاسلام والمسلمین محسن غرویان می‌گوید و سیدصادق حقیقت می‌گوید: «استاد مطهری اندیشه و فلسفه سیاسی داشتند، اما فلسفه سیاسی ایشان نه جامع بود و نه ضرورتا سازوار.»

هر دو از «استاد» و «شهید» به نیکی یاد می‌کنند و تأکید دارند اگر آیت‌الله زنده بود برای مسائل روز اندیشه‌ای داشت وبا توجه به مقتضیات زمان و مکان در فقه نظر جدیدی می‌آورد.

قبل از شرح، تبیین و نقد آرای سیاسی آیت الله مرتضی مطهری، اول بفرمایید ایشان از چه زمانی اندیشه‌های سیاسی خود را صورت‌بندی کردند و معیار اصلی اندیشه ایشان کدام است؟

محسن غرویان: شهید مطهری فیلسوف بود و فقیه. اقتضای دانش فلسفه و مقتضای ذاتی تفکر و اندیشه وی این بود که در مسائل سیاسی ورود کند. یعنی امکان ندارد فیلسوف واقعی نگاهی به سیاست، نوع حکومت و رابطه مردم و حاکمیت نداشته باشد. البته نحوه ورود یک فیلسوف به سیاست با نحوه ورود سیاست‌مدار تفاوت دارد. مباحثی که ایشان در کتاب «پیرامون انقلاب اسلامی» یا «آینده تاریخ» و کتاب‌های دیگر خود مطرح کرده‌اند، نشان از این نگاه فیلسوفانه به مسائل سیاسی دارد و نسبت به مسائل اطراف خود تدبیر می‌کرد.

آقای غرویان به مطهری دهه ۵۰ اشاره دارند و در این دوره است که می‌توان عنوان فیلسوف را برای ایشان به کار برد؟

غرویان: نقد و بررسی آرای شهید مطهری براساس نوشته‌ها و آثار ایشان ممکن است که در دوره‌های متعدد نوشته شده است.

سیدصادق حقیقت: من فکر می‌کنم شناخت اندیشه‌های آیت‌الله مطهری در این زمان نیاز به تعمیق دارد. هرچند اندیشه سیاسی ایشان نکته تمرکز این میزگرد است، اما مواردی زیادی در اندیشه مطهری وجود دارد که مغفول مانده. شخصیت استاد مطهری با دو اصطلاح که با هم ارتباط دارند فهمیده می‌شود: «نواندیشی دینی» و «اصلاح‌طلبی دینی». در کتاب‌های «پیرامون انقلاب اسلامی»، «پیرامون جمهوری اسلامی»، «کتاب ده گفتار»، «بیست گفتار»، «نظام حقوق زن»، «جهاد» و «بردگی در اسلام» اندیشه سیاسی ایشان مشهود است. بدون شک ایشان فیلسوفی اسلامی بودند با فلسفه صدرایی و مبتنی بر حکمت متعالیه. در اینکه ایشان را به‌عنوان فیلسوف سیاسی به‌معنای جامع کلمه بدانیم (به این معنا که دارای فلسفه سیاسی نظام‌مند و جامع بوده) تردید وجود دارد. اندیشه اعم از فلسفه سیاسی است؛ ایشان اندیشه و فلسفه سیاسی داشتند، اما فلسفه سیاسی ایشان نه جامع بود و نه ضرورتا سازوار اما بدیع بود.

این ناسازواری و عدم‌جامعیت را چگونه توجیه می‌کنید؟

حقیقت: اندیشه‌های شهید مطهری جامع نبود چون در همه حوزه‌های فلسفه سیاسی نیندیشیده بود و سازوار هم نبود؛ به‌این صورت که ضرورتا همه اجزای فلسفه ایشان با دیگر اجزا سازواری نداشت، اما اندیشه ایشان مهم و بدیع بود؛ مهم بود چون اندیشه سیاسی اسلام را ترسیم کرد که در انقلاب اسلامی ایران تأثیرگذار بود و بعد از مرحوم شریعتی بیشترین تأثیر را در بین جوانان داشت. بدیع بود چون موضوعات جدید فرد و جامعه، آزادی، برابری، بردگی، نقد و مقابله مارکسیسم را در دل خود داشت. یکی از مسائل مهم در اندیشه سیاسی اسلامی مسئله «مشروعیت» است. در سال ۱۳۲۷ آیت‌الله مطهری به‌همراه آیت‌الله منتظری سر درس آیت‌الله بروجردی و امام خمینی حاضر می‌شدند. طبق خاطراتی که نقل شده ایشان می‌فرمایند در مباحثه با آیت‌الله منتظری «نظریه انتخاب» در آن زمان به ذهن ما رسید. اما در مباحثی که با آیت‌الله بروجردی و امام خمینی داشتند این نظریه در حالت ابتدایی و اولیه خود باقی می‌ماند تا سال‌های نزدیک انقلاب اسلامی. در آن سال‌ها جملاتی که از آیت‌الله مطهری نقل شده به‌ویژه در سخنرانی‌های سیاسی ایشان دال بر «نظریه انتخاب» و دلالت در «نظریه نظارت» دارد. بنابراین دو برهه در نظریه سیاسی ایشان مهم است: یکی سال ۱۳۳۰ که جرقه «نظریه انتخاب» زده و در سال‌های پیروزی انقلاب مفاهیمی مانند آزادی، برابری، حقوق اقلیت‌ها و مانند آن را بررسی کرده است.

به نظر شما شهید مطهری نواندیش دینی است و به‌دنبال تطبیق دین با مصادیق مدرنیته یا اینکه در گروه احیاگران می‌گنجد؟

حقیقت: من فکر می‌کنم ایشان، هم نواندیش دینی هستند و هم احیاگر. نواندیشی دینی قرائتی از دین است که سعی در معقول جلوه دادن و هم‌خوان‌کردن آموزه‌های دینی با آموزه‌هایی همانند دموکراسی، مردم‌سالاری و حقوق بشر دارد. بدون شک نواندیشان دینی به‌دنبال این نیستند که دین را با حقوق‌بشر آن‌طوری که انسان مدرن می‌فهمد یکسان جلوه دهند، بلکه اعتقاد دارند دین در ذات خود اصالت دارد. اما دین در زمان ما به‌شکلی است که با عقل بشر سازگاری دارد و نمی‌تواند با مسائلی مانند دموکراسی و حقوق بشر ضدیت داشته باشد. آیت‌الله مطهری فقه سیاسی و فقه اجتماعی را معتبر می‌دانند. نواندیشی دینی ریشه در اندیشه‌های مرحوم نایینی و آخوندخراسانی دارد. آنها در صدر مشروطه تلاش کردند از پدیده‌های مدرن توجیه درونی و توجیه مدرن داشته باشند تا اثبات کنند از نظر شرعی این پدیده‌ها، وجوب شرعی دارد. ویژگی دیگر اندیشه ایشان «اصلاح‌طلبی دینی» است. شهید مطهری اعتقاد داشتند که باید دین را باید از پیرایه‌های غیردینی و آنچه در دین به‌عنوان بدعت وارد شده، پیراست.

غرویان: مطهری فقیهی بود که در مسائل اجتماعی مانند اقتصاد اندیشید. انتخاب بعضی از ابواب فقه برای بحث نشان می‌دهد شید مطهری دغدغه سیاسی- اجتماعی داشت. بعضی از فقها ۲۰ یا ۳۰ سال به عبادیات در فقه پرداخته و کتاب الصلاه، کتاب الحج و خمس و زکات نوشتند و به مباحثی نپرداخته‌اند که سبقه سیاسی- اجتماعی داشته باشد؛ این شاکله فکری مطهری را نشان می‌دهد که اگر در فقه هم ورود می‌کرد سراغ فقه سیاسی و «فقه‌الاجتماع» رفته و به سیاسیات در فقه علاقه‌مند است. نکته دیگر اینکه فلسفه به‌عنوان یک اصل و قاعده برای عالم و آدم تحول را اثبات می‌کند؛ از حرکت جوهریه انتزاعی گرفته تا حرکت در تاریخ و تحولات انسان و جامعه. فیلسوف به‌مافیلسوف کسی است که تحول را در انسان، در جامعه و طبیعت به‌عنوان اصل در نظر بگیرد.

شهید مطهری می‌گفت: من اگر قدرت و توانایی داشتم، در دانشگاه تهران یک مارکسیست یا کمونیست را دعوت می‌کردم که از شوروی بیاید و حرفش را بزند و من هم آنجا حرفم را بزنم. این نشان می‌دهد که شهید مطهری آرزو داشته که فضایی در کشور ایجاد شود که مارکسیسم و هر نحله فکری‌ایتواند اندیشه خود را بیان کند

به‌خصوص اگر حرکت جوهری باشد.

غرویان: مطهری یک فیلسوف صدرایی است و ملاصدرا حرکت جوهریه را اثبات کرده است. این اندیشه در مسائل اجتماعی هم نمود پیدا می‌کند. مطهری به تحول انسان و جامعه معتقد است. البته این یکی از تفاوت‌های دانش فقه با فلسفه است که فقه چارچوب بسته و خشک و غیرقابل انعطاف دارد. اگرچه فقها هم مقتضیات زمان و مکان را لحاظ می‌کنند- شهید مطهری هم کتابی باعنوان «مقتضیات زمان و مکان» دارد. نگاه فقیهانه بیشتر حفظ نظرات گذشتگان است. ولی شهید مطهری با سبقه فیلسوفانه خود تحول را اصل می‌دانستند. شهید مطهری مثل شهید صدر در نجف یک استثنا بودند. او به دلیل تلاش، نبوغ و استعداد ذاتی یک استثنا بود. یادم می‌آید که آیت‌الله استادی برای ما تعریف می‌کردند که وقتی از میدان فیضیه و خیابان آستانه به حوزه می‌رفتیم، در مسیر دکه روزنامه‌فروشی بود که ما صورت خود را برمی‌گرداندیم تا تیتر روزنامه‌ها را نبینیم چه برسد به اینکه روزنامه بخوانیم. چون اگر به سمت دکه مطبوعات نگاه می‌کردیم برای ما حرف درمی‌آوردند که این طلبه سیاسی است.

حقیقت: استاد مطهری فیلسوف و فقیه سیاسی بودند که جنبه فلسفه سیاسی ایشان بر فقه سیاسی‌اش غلبه داشت. با توجه به زمینه‌های سیاسی- اجتماعی آن روز و در مقایسه با دیگران و جو حاکم بر حوزه‌های علمیه، ایشان جامعیت نسبی داشتند. ایشان درباره بسیاری از مسائلی که فقهای ما درباره‌اش نیندیشیده بودند، در چهار دهه قبل اندیشید و برای همین کتاب‌هایش هنوز هم خواندنی است. مسئله دیگر این است که فلسفه ضرورتا فلسفه سیاسی را به‌همراه دارد. انتظار این است که فیلسوف صدرایی فلسفه سیاسی بداند و البته اگر جامع و سازوار هم باشد و اجزای آن باهم متناقض نباشد بهتر است اما ضرورت ندارد.

چرا فلسفه و فیلسوف در آن دوره به مسائل سیاسی کم‌توجه بود؟

حقیقت: به دو دلیل. یکی به دلیل علمی و دیگر به دلیل تحقق آن. در ایران استادان فلسفه به مباحث مابعدالطبیعه می‌پردازند و ضرورتا به مسائل سیاسی و اجتماعی نمی‌پردازند. فلسفه اسلامی به مسائلی مابعدالطبیعه مانند صفات خداوند، قاعده امکان و وجوب و... است درحالی‌که در غرب دانش فلسفه به فلسفه‌هایی مانند فلسفه سیاسی، فلسفه اخلاق و فلسفه تاریخ می‌پردازد. در کشور ما واحدهای درسی فلسفه سیاسی زیرمجموعه علوم سیاسی است و در خارج از حوزه تدریس می‌شود. برای همین بسیاری از فلاسفه اسلامی یا اندیشه سیاسی نداشتند یا اینکه فلسفه سیاسی نحیف و لاغری داشتند. مثلا کسی که نسبت به دیگران اندیشه سیاسی مهم‌تری دارد، ملاصدراست اما این اندیشه سیاسی نه جامع است و نه مهم. مسائلی که ملاصدرا در اندیشه سیاسی خود بیان کرده، برگرفته از فارابی است که چندین قرن قبل از ایشان می‌زیست. فارابی مجموعا ۵۰ رساله دارد و به بسیاری از مسائل اندیشه سیاسی پرداخته که به چند ده‌صفحه می‌رسد. ملاصدرا هم نتوانسته تفاوت مبنای فلسفه متعالیه و فلسفه مشا را در اندیشه خود تبیین کند. ملاصدرا به دلایل مختلف مبانی نتوانسته حکمت متعالیه را در اندیشه خود و تفاوتش را با فلسفه مشا نشان دهد.

مطهری فیلسوف صدرایی است این اندیشه در مسائل اجتماعی هم نمود پیدا می‌کند. مطهری به تحول انسان و جامعه معتقد است. البته این یکی از تفاوت‌های دانش فقه با فلسفه است که فقه چارچوب بسته و خشک و غیرقابل انعطاف دارد.گرچه فقها هم مقتضیات زمان و مکان را لحاظ می‌کنند

مرحوم مطهری در کتاب «انسان و سرنوشت» می‌گوید: «انسان موجودی مختار و آزاد آفریده شده و از عقل، فکر و اراده برخوردار است» یا در کتاب «انسان در قرآن» انسان را دارای کرامت ذاتی و شرافت ذاتی می‌داند. یا اینکه در جایی دیگر به «هم‌ایمانی» و «هم‌گوهری» انسان اشاره می‌کند. به نظر شما ماهیت انسان، آزادی و آزادی بیان در اندیشه استادمطهری چگونه است؟ این دو چقدر می‌تواند با همدیگر همخوانی داشته باشد؟

غرویان: شما نکته مهمی را در باب انسان‌شناسی شهید مطهری بیان کردید. ایشان مباحثی در باب انسان‌شناسی، فطرت انسان، انسان کامل و آزادی انسان بیان کرده‌اند. شهید مطهری مسئله پلورالیسم و کثرت‌گرایی و قرائت‌های مختلف را عملا پذیرفته بودند. شهید مطهری در زمینه اجتهاد حرف‌های کلیدی خوبی دارند، مثلا فقه فقیه شهری، بوی شهر می‌دهد و فقه فقیه روستایی بوی روستا. اینها همه نشان‌دهنده تأثیر عنصر زمان و مکان در فقه است که شهید مطهری عملا اینها را پذیرفته بودند. شهید مطهری بحث آزادی فکر و اندیشه را در عمل قبول داشت. می‌گفت: «من اگر قدرت و توانایی داشتم، در دانشگاه تهران یک مارکسیست یا کمونیست را دعوت می‌کردم که از شوروی بیاید و حرفش را بزند و من هم آنجا حرفم را بزنم». این نشان می‌دهد که شهید مطهری واقعا آرزو داشته که فضایی در کشور ایجاد شود که مارکسیسم و هر نحله فکری‌ای- آن زمان صحبت از مارکسیسم فرد را تا چوبه‌دار تهدید می‌کرد- بتواند اندیشه خود را بیان کند. آن زمان خیلی با زمان ما متفاوت است. این نشان می‌دهد که شهید مطهری به آزادی فکر و آزادی اندیشه واقعا معتقد بوده است و از آن طرف اعتمادبه‌نفس خیلی بالایی داشته که می‌خواسته با منطق اسلامی، منطق فلسفه اسلامی، منطق قرآنی و منطق اسلام‌شناختی پاسخ دهد. شهید مطهری به امتداد فلسفه عنایت داشت و صرفا در مباحث مابعدالطبیعه محصور نماند. این امتداد را در جامعه و تاریخ، فلسفه تاریخ، فلسفه جامعه‌شناسی، فلسفه تعلیم و تربیت می‌بینیم. دکتر حقیقت به اندیشه فارابی و ملاصدرا اشاره داشتند که در اندیشه سیاسی ورود نکرده‌اند اما به نظر من در زمان آنها حکومت دستشان نیفتاده است. آنها فقط فیلسوفی کرده‌اند، یعنی نشسته‌اند در اتاقشان و با همان تلاش فکری‌شان یک‌سری مسائل سیاسی را مطرح کرده‌اند. شهید مطهری هم آمد که به سیاست ورود عملی پیدا کند و از طرف امام به‌عنوان رئیس شورای انقلاب انتخاب شد که به شهادت رسید و مجال پیدا نکرد در سیاست و در دستگاه‌های اجرائی و قضائی ورود کند. اما به نظر من ایشان یا شهید بهشتی در مرز ورود از سیاست «نظری» به «عملی» بودند که به شهادت رسیدند.

اما عده‌ای معتقدند که ایشان برای عمل سیاسی اصالت قائل نبودند و به نظارت فقها تأکید داشتند. یعنی با دردست‌داشتن قدرت اجرائی روحانیت مخالف بودند و برای همین با تأسیس حزب جمهوری اسلامی یا با عضویت روحانیت در حزب مخالف بودند.

حقیقت: لطفا اجازه دهید قبل از ورود به این بحث، من درباره ماهیت انسان و آزادی توضیحی را بدهم و بعد این بحث مهم را مطرح کنید. اندیشه سیاسی می‌تواند معرفت‌شناسانه یا انسان‌شناسانه باشد. اندیشه سیاسی استاد مطهری به مقدار بسیار زیاد مبتنی‌بر نوع نگاه ایشان به انسان است. همانطور که شما به‌درستی اشاره کردید، ایشان انسان را مختار و مبتنی‌بر فطرت الهی با ویژگی هم‌ایمانی می‌داند. یعنی ویژگی شخص- شخص، فرد- فرد انسان‌ها در جامعه، یک جامعه ایمانی را درست می‌کند که آن ارتباط، بحث هم‌ایمانی است. باز نکته مهم در اینجا این است که دیدگاه آیت‌الله مطهری نسبت به انسان، بین نگاه مارکسیسم و لیبرالیسم است. مارکسیست‌ها اصالت را به جامعه می‌دهند و فردیت را منحل می‌کنند؛ لیبرالیسم برعکس، اصالت را به فرد می‌دهد و جامعه را منحل می‌کند. آیت‌الله مطهری مثل آیت‌الله صدر و بسیاری از فلاسفه دیگر اعتقادشان بر این است که اسلام نقشی بینابین به انسان عطا کرده است. به‌این‌معنا که اصالت هم با فرد است و هم با جامعه. که البته این یک بحث کلی است و باید دید میزان تأکید بر فرد و جامعه در اینجا چیست؟ این مبنای انسان‌شناسانه به آزادی اندیشه منجر می‌شود. در اینکه اندیشه آیت‌الله مطهری آزادی‌خواهانه و مردم‌سالارانه و نواندیشانه است، شکی وجود ندارد.

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

شرق

- کنفرانس نهاوندیان پس از سفر آمریکا- محمد نهاوندیان، معاون اقتصادی دبیر شورای‌عالی امنیت ملی کشورمان پس از بازگشت خود از سفر پرسروصدای آمریکا برای اولین‌بار دیروز در میان خبرنگاران حاضر شد- [نهاوندیان:] «تصمیم به عضویت ایران در WTO به‌صورت قطعی گرفته شده است»- خبرنگار ایسنا می‌پرسد از آمریکا چه خبر؟ نهاوندیان جواب بقیه سؤال‌هایش را می‌دهد و بدون اشاره‌ای به این موضوع می‌گوید: لطفا سؤال بعدی
- سخنگوی وزارت خارجه: خیری در مذاکره با آمریکا نیست
- تهدید نمایندگان به قطع همکاری با آژانس انرژی اتمی
- انتقاد عسگراولادی از سیاست‌های اقتصادی دولت- «در شرایطی که فضای مساعدی برای سرمایه‌گذاری نباشد بخش خصوصی وادار می‌شود مازاد پول خود را به آن طرف آب ببرد. دولت نباید بگذارد سرمایه‌گذاران پول خود را به بورس و مسکن ببرند»
- ۲۰۰ هزار تومان حداقل حقوق برای ۷۰ درصد بازنشستگان

اعتماد ملی

- احمدی‌نژاد: کارگران بر کارفرمایان نظارت کنند- «آدم چطوری می‌تواند ببیند که همکارش برای ۲۰۰ تومان لنگ است، ولی خودش پاداش ۳۰ میلیونی می‌گیرد؟ نمی‌گویم همه باید مساوی‌مساوی باشند ولی نباید این‌قدر فاصله هم باشد. من از وزیر رفاه و صنایع خواسته‌ام این مسائل را جمع کنند. جمعش نکنند، ان‌شاءالله جمع می‌کنیم

اطلاعات

- معاون سازمان انرژی اتمی: درصورت بازگشت پرونده ایران به آژانس، امکان اجرای پروتکل الحاقی وجود دارد- سوئد، فنلاند و هند خواستار حل دیپلماتیک مسئله هسته‌ای ایران شدند
- رئیس‌جمهوری در همایش ملی کارگران واحدهای نمونه سراسر کشور: کارگران و فرهنگیان اولویت بعدی دولت در واگذاری سهام عدالت هستند
- دستورالعمل دولت برای تسریع در مبارزه با قاچاق کالا و ارز

کیهان

- ۵۰ هزار نفر [در اولین روز استرداد وجه تلفن همراه]، پول سیم‌کارت خود را پس گرفتند
- با ارسال نامه‌ای به رئیس‌جمهور اعلام شد- تقدیر ۸۰ نماینده مجلس از وزارت بازرگانی
- رئیس‌جمهور در مراسم بزرگداشت روز کارگر- کشور را دست‌های پرتوان و فکر بلند کارگران خواهد ساخت
- وزیر کشور: منافع ایران و ترکیه به هم گره خورده است

ایران

- رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی- نگران حجم نقدینگی در کشور نیستیم- بحث به‌هم‌ریخته‌شدن بازار سکه و طلا مربوط به نقدینگی سرگردان نبود بلکه جو روانی و دروغی بود که برخی به آن دامن زده بودند. دولت در تلاش است نقدینگی موجود در اقتصاد کشور را به‌سمت واحدهای تولیدی و طرح‌های اشتغال‌زا و کوچک زودبازده هدایت کند
- علی لاریجانی مسئول پرونده هسته‌ای ایران در جمع دانشجویان: دولت احمدی‌نژاد ایران را اتمی کرد
- برای مقابله با نفوذ واشنگتن در آمریکای‌لاتین شکل گرفت- اتحاد سه‌گانه بولیواری- رهبران چپ‌گرای سه کشور بولیوی، کوبا و ونزوئلا یک موافقت‌نامه تجاری سه‌جانبه با هدف مقابله با نفوذ ایالات‌متحده آمریکا در آمریکای‌لاتین امضا کردند
- معاون آموزش‌وپرورش در تشریح وضعیت این نهاد اعلام کرد- آموزش‌وپرورش ۱۹۰ هزار معلم مازاد دارد

خیریه فرهاد

حمایت از زنان بی سرپرست مبتلا به سرطان

یار یکدیگر باشیم مهربانی را تقسیم کنیم

شماره حساب: ۰۲۱۱۲۳۳۴۷ بانک پارسیان شماره کارت: ۶۲۲۱-۰۶۱۰-۸۰۰۰-۰۷۷۳

آدرس تهران میدان ونک خ ملاصدرا تقاطع کردستان پلاک ۶۴ شماره تماس: ۸۸۷۷۱۱۲۱ شماره ثبت: ۲۷۴۸۹

وب سایت: www.farhad-charity.com

ولادت با سعادت مولای عاشقان، امیر مومنان، علی علیه السلام، مبارک باد.